

بخش دوم

تربیت در محیط خانوادگی

اگر انسان با هر شیئی انس پیدا کند،
به آن تعلّق قلبی پیدا می‌کند
و هر چه انس بیشتر شود،
تعلّق شدّت پیدا می‌کند.



مجموعه آیت الله
رحمة الله علیه
حاج آقا مجتبی تهرانی



این مجموعه شامل بیانات آیت الله آقامجتبی تهرانی
(رحمه الله علیه) پیرامون تربیت فرزند در محیط خانوادگی می باشد.

کار خیر را با دست کودک انجام دهید

«وَذَكِّرْهُ بِالْخَيْرِ أَهْلِيكُمْ». یادآورشان کن به کارهای خیر. ما در باب اعمال نیک داریم که خیر، به طور عملی و لفظی باید کنار هم باشد. نسبت به تربیت کسانی که تحت تربیت انسان قرار میگیرند مثل فرزند انسان، باید با هم باشد تا خوب تأثیر بگذارد. در یک روایتی از امام رضا علیه السلام آمده که حضرت فرمود: «مُرِّ الصَّبِيَّ فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ بِالْكَسْرَةِ وَالْقَبْضَةِ وَالشَّيْءِ وَإِنْ قَلَّ» (اصول کافی، ج ۴، ص ۴) کودک را امر کن تا با دست خود صدقه بدهد، اگرچه کم باشد. بصورت گفتاری به او امر کن این کار را بکند! حال که میخواهی دستگیری از

مستمند کنی و صدقه بدهی با دست او بده! پول

را بده به او بگو: تو بده! صدقه را تو میدهی اما به دست او بده! ببینید چقدر زیبا میآید مطلب را بیان میفرماید: «فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ» با دست بچه ات - قبضه را یک مشت میگویند - میخواهی در راه خدا انفاق کنی، دستگیری از مستمندان بکنی، هم به او امر کن، هم با دست او این کار را بکن! یعنی هم گفتاری هم کرداری. هر دو با هم.



حاج آقا محمد تقی تبریزی
رحمته الله علیه



موعظه‌ی کسی که عامل است تاثیر میگذارد

حضرت میفرماید: «إِعْمَلُوا» اول خودت برو کار خوب بکن. بعد میگوید «وَذَكِّرْ وَاٰهْلَكَ» بعد به بچه ات بگو کار خوب بکن! چرا؟ چون اگر بخواهی این گفتار تو اثر داشته باشد، باید مسبوق به کردار تو باشد. گفتاری مؤثر است که مسبوق به کردار باشد و الاّ بی فایده است. بلکه اگر منافات داشته باشد اثر عکس دارد. ما این را منافقانه میگوییم. بچه با خود میگوید: به من میگوید این کار را بکن، خود او آن کار را نمیکند!!! اگر میخواهی بجهات درست بشود باید اینگونه عمل کنی. موعظه اگر بخواهد مؤثر باشد، واعظ باید عامل باشد. امیرالمومنین علی (علیه السلام) میگوید من شما را موعظه

میکنم چون خودم قبلاً به آنها عمل کردم. موعظه کار هر کسی نیست. آن کسی که عامل است باید موعظه کند. آن وقت مؤثر واقع میشود. اول میفرماید «إِعْمَلُوا الْخَيْرَ» و بعد میگوید «وَذَكِّرْ وَاٰهْلَكَ» خودت کار انسانی و الهی بکن، بعد به فرزندان و خانوادهات بگو و تذکر بده.



حاج آقا میرزا محمد تقی
رحمته الله علیه



حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «الْأَدَبُ فِي الْإِنْسَانِ كَشَجَرَةٍ أَصْلُهَا الْعَقْلُ» (غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۴۷، روایت ۵۰۹۸) ادب در انسان مانند درختی است که ریشه اش عقل است. حضرت ادب را در انسان به درختی تشبیه فرموده است که ریشه او عقل است. ما وقتی به روایاتمان مراجعه میکنیم، میبینیم یک رابطه مستقیم بین عقل و ادب مطرح میشود. روایات متعددی داریم که در آنها رابطه بین عقل و ادب را با تعبیرات مختلفه مطرح میکند. مثلاً در روایتی از علی (علیه السلام) آمده است: «كُلُّ شَيْءٍ يَحْتَاجُ إِلَى الْعَقْلِ وَالْعَقْلُ يَحْتَاجُ إِلَى الْأَدَبِ» (همان، ص ۲۴۸، روایت ۵۱۰۲) هر چیزی به عقل احتیاج دارد و عقل محتاج ادب است. حضرت در این روایت احتیاج عقل را به ادب

مطرح میفرماید، یعنی اگر عقل بود و ادب نبود، این عقل بی فایده است. در روایتی دیگر از علی (علیه السلام): «لَنْ يَنْجَعَ الْأَدَبُ حَتَّى يُقَارِنَهُ الْعَقْلُ» (همان، ص ۵۳، روایت ۴۲۶) ادب سود نمیدهد مگر آنکه همراه با عقل شود. ادب به عقل محتاج است، و عقل به ادب. حضرت یک رابطه تنگاتنگ بین عقل و ادب برقرار میکند. تعبیرات زیاد دیگری در این رابطه داریم. مانند: «نِعْمَ قَرِينُ الْعَقْلِ الْأَدَبُ» (همان، ص ۲۴۸، روایت ۵۱۰۴) بهترین همنشین عقل ادب است. «لَا أَدَبَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ» (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱) کسی که عقل ندارد، ادب ندارد.



حاج آقا محمدتقی تبریزی
رحمته الله علیه



انسان راه را خودش انتخاب می‌کند.

انسان در انتخاب راه مجبور نیست. هرطور که خودش انتخاب کرد. بذر را من پاشیدم، ارائه طریق هم چه از نظر سمعی و از نظر بصری کردم، حالا انتخاب با توست. بینم تو با ادب میشوی یا بی ادب؟! انتخاب این با تو است. در گذشته روایتی را مطرح کردم که «إِنَّ بَذْوِي الْعُقُولِ مِنَ الْحَاجَةِ إِلَى الْأَدَبِ كَمَا يَظْمَأُ الزَّرْعُ إِلَى الْمَطَرِ» (غرر الحکم، ص ۵۳، روایت ۴۰) نیاز ذوی العقول به ادب مانند نیاز کشت است به باران. مثال میزند که این کسانی که عقل آنها کار میکند و هنوز از کار نیفتاده، احتیاج آنها به ادب مثل احتیاج بذر به باران است که اگر باران نبارد این رشد نمیکند. که من تعبیر کردم که تربیت نسبت به بذر الهی و نشائی که خدا در درون انسان نشا کرده

است، نقش آبیاری دارد. این مثل آن میماند. هر طفلی در هر خانواده‌ای به دنیا می‌آید این بذر الهی در او هست چه در بعد نظری او چه در بُعد عملی او. هم تشخیص حق از باطل و هم تشخیص افعال خوب از بد را. خدا گذاشته است، جزء فطریات اوست، و نقش تربیت این است که پدر و مادر باید همان روش تربیت الهی را پیاده کنند و از طریق سمع و بصر این فرزند را تربیت کنند.



حاج آقا محمد تقی تبریزی
رحمته الله علیه



هیکل پدر و مادر در تربیت فرزند تاثیر دارد

از نظر تربیت، وقتی بچه میخواهد تربیت شود، بدان آنکه بُرد بیشتر دارد، هیکل پدر و مادر اوست. هیکل پدر و مادر را بچه میبیند و این دیدن بیشتر از گفتههای پدر و مادر بر روی او تاثیر میگذارد. پدر را میبیند، مادر را میبیند، تشخیص بدهد که او از نظر پیکرهاش، انسان است یا حیوان است؟ من باید اینها را بگویم. من طبق روایت بحث میکنم. آیا میدانی تشبّه رجال به نساء حرام است که حالا خودت را در ذی نساء در آوری و شبیه زنان کرده ای؟ فرزند نگاه میکند و میبیند و تشخیص میدهد. وقتی نگاه میکند، قوه شهوتش بروز و ظهور پیدا میکند یا فطرت الهی اش؟ گفتیم همه بذرها در این بچه هست؛

شهوت هست، غضب هم هست. با این دیدن، به یاد

شیطان میافتد (یذکرکم) یا به یاد خدا میافتد؟ بعد معنوی اش فعال میشود یا شهوتش؟ به یاد حیوان میافتد، یا به یاد خدا میافتد؟ جمله اول، با زبان حال پیکرهای و هیكلت او را تربیت میکنی. او این صحنه ها را عکسبرداری میکند و فوری در روحش بایگانی میکند. اسم بایگانی روحش را میگذاریم حافظه. اتاق بایگانی او حافظه اوست. همینطور هر چیزی که میبیند، عکسبرداری میکند و به حافظ هاش میسپارد. این فقط تاثیر هیکل بود.



حاج آقا محمدتقی تبریزی
رحمته الله علیه



راستگویی را با راستگویی بیاموز

«وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ» حرف که میزند، باید حرفهایش به قدری درست باشد که شبیه به دیداری بشود. حالا این یعنی چه؟ حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «خَيْرُ اخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ» (وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴) بهترین برادرانت آن کسی است که با راستگویی اش تو را به راستگویی بکشانند.

این همانی است که عرض کردم. آنجا که کلام جنبه اخباری دارد، باید به نحوی باشد که شبیه به دیداری است. حتی ما در محاورات عرفیه و روزمره خودمان، از آن تعبیر به دیداری میکنیم، میگوییم: دیدم راست میگفت! دیدی یا شنیدی که راست میگفت؟ دیدم دروغ میگفت! ما هم این

تعبیرات را داریم، چون آنقدر روشن است که کأنه صحت آن را میبینیم. پدر! مادر! با بچه هایتان که صحبت میکنید و حرف میزنید، مواظب حرفهایتان باشید که جلوی او دروغ نگویند! راستگویی را با راستگویی بیاموز. اینها معارف ما است. میخواهی اثر بکند؟ روش گفتاری میخواهی به او آموزش دهی؟ اینگونه روش گفتاری میدهند. این از طریق سمعی است. راست بگو! چه به او، چه در حرفها و نقل هایی که او مطلع است راست بگو! هم به بچه راست بگو، هم جلوی بچه راست بگو! نگذار دروغ گفتن را یاد بگیرد!



حاج آقا محمد تقی تبریزی
رحمته الله علیه

